

مراتب حساسیت نیروهای انقلابی در برابر دشمن از دیدگاه قرآن کریم

مهدی باکویی*

احد داوری چلقائی**

چکیده

یکی از شاخص‌های انقلابی ماندن، حساسیت در برابر دشمن است که لازمه آن شناخت دشمن و انتخاب نحوه برخورد مناسب با وی می‌باشد. از سوی دیگر تحلیل قرآنی چگونگی حساسیت با توجه به صحت، جامعیت و جهان شمولی آیات، برای ارائه نظریه بومی اسلامی در حوزه برخورد با دشمن ضروری است. پژوهش حاضر برای رسیدن به این هدف با گردآوری، طبقه‌بندی و تحلیل آیات با کمک منابع کتابخانه‌ای حدیثی، تفسیری و تاریخی به دنبال یافتن مراتب حساسیت نیروهای انقلابی در برابر دشمن از دیدگاه آیات قرآن کریم می‌باشد. از این رو با تبیین لغوی - قرآنی مفاهیم حساسیت، نیروهای انقلابی و دشمن، به ذکر مراتب حساسیت در برابر دشمن پرداخته و پنج مرتبه کلی برای آن ذکر کرده است که عبارت‌اند از: شناخت دشمن و اهداف دشمنی، شناخت زمینه‌ها و راه‌های دشمنی، تبیین صریح و شفاف مواضع، اتخاذ تدابیر پیشگیرانه و جهاد همه‌جانبه با دشمن.

واژگان کلیدی

انقلاب، نیروهای انقلابی، حساسیت، دشمن، قرآن کریم

* bakouei2011@yahoo.com

** ahaddavari@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۶/۵/۱۸

*. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

** . دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۱/۴

۱. طرح مسئله

قرآن کریم به عنوان کتابی جامع، همه نیازهای موردنیاز برای سعادت جامعه بشری در حوزه فردی و اجتماعی را مورد توجه قرار داده است (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ۲۲۱) از جمله مهم‌ترین این نیازها، نحوه برخورد با دشمنان است که قرآن کریم برخی دستورالعمل‌های صریح و غیرصریح در این زمینه ارائه کرده است، لذا لازم است با بررسی آیات قرآن کریم و تحلیل ماجراهای تاریخی ذکرشده در آن از جمله جنبش‌های انبیا (علیهم‌السلام)، مورد تحلیل و تبیین قرار گیرند، از طرف دیگر طبق نظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی) یکی از مهم‌ترین شاخص‌های انقلابی ماندن، حساسیت در برابر دشمن می‌باشد (بیانات در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، ۱۴ خرداد ۹۵) و پژوهش حاضر به دنبال بررسی شاخص مذکور از دیدگاه قرآن کریم می‌باشد؛ البته «حساسیت در برابر دشمن» اصلی عقلی و عقلایی است که در طول تاریخ ملت‌ها، مورد توجه بوده است به طوری که ده‌ها شعر و ضرب المثل در این زمینه گفته شده است، (دهخدا، ۱۳۷۷، ۷، ۱۰۹۰۹ و ۱۰۹۱۰) ولی بررسی موضوع از نگاه قرآن، علاوه بر تأکید و تائید بحث، به این دلیل اهمیت دارد که قرآن علاوه بر توجه به خوشبختی دنیوی انسان، نیازهای اخروی را نیز در ارائه برنامه سعادت بشری مورد توجه قرار داده است (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ۲، ۳۰۲) همچنین مطابق فطرت انسان سخن می‌گوید (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ۱۴۵) و برنامه‌های آن برای همه بشر در طول تاریخ قابل استفاده است، لذا به دنبال بیان داستان‌های قرآن دستور به تفکر داده است: «فَأَقْصُصْ الْقُصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»؛ پس این داستان را [برای آنان] حکایت کن شاید که آنان بیندیشند (اعراف ۱۷۶).

شناخت قرآن نسبت به دشمنان از منبع وحی نشئت گرفته است چنانکه می‌فرماید: «وَاللَّهُ أَغْلَمُ بِأَعْدَائِكُمْ»؛ خدا نسبت به دشمنان شما داناتر است (نساء ۴۵) همچنان که شناخت برخی از دشمنان نیز از سوی خدا میسر است که خداوند درباره آن می‌فرماید: «وَأَخْرَيْنَ مِنْ دُونِهِمْ لَأَتَعَلَّمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ»؛ [دشمنان] دیگری را جز ایشان که شما آنها را نمی‌شناسید و خدا آنان را می‌شناسد (انفال ۶۰) از این رو شاخص «حساسیت در برابر دشمن» برای تمام اعصار و امصار مطلوبیت خواهد داشت؛ و علاوه بر ایجاد فضایی علمی برای بررسی موضوع و شکل‌گیری نظریه‌ای بومی اسلامی، با تعیین خطوط اساسی انقلابی‌گری (با توجه به پذیرش قرآن در میان عموم مسلمانان) و معرفی الگوهای قرآنی برای تقابل با دشمن، در نزدیک کردن دیدگاه‌های مختلف سیاسی و رفع تعارض‌ها و تفاوت‌ها

در تعیین مصادیق دشمنی راهگشا خواهد بود و به پالایش و رفع آسیب‌های تقابل با دشمن کمک خواهد کرد، همچنین برخلاف نظر برخی صاحب‌نظران که به دلیل اختلاف مبانی، دیدگاه‌ها و میزان درک از حقیقت انسان و حکومت‌ها و درک ناقص از میزان دین‌داری و حقیقت دین و حقیقت انقلابی بودن نظرات متفاوتی ارائه کرده‌اند؛ تحلیل قرآنی موضوع نظریه‌ای هماهنگ ارائه خواهد نمود. از این - رو پژوهش حاضر به روش توصیفی تحلیلی و با گردآوری کتابخانه‌ای داده‌ها و اطلاعات در پی پاسخ به این پرسش است که بر اساس آیات قرآن چه مراتبی برای حساسیت در برابر دشمن وجود دارد؟ لازم به ذکر است تطبیق مسئله با مسائل روز و مصادیق معاصر نیازمند مطالعه دیگری است. چنانکه بررسی اصول دشمن ستیزی قرآن نیز تحلیل دیگری می‌طلبد.

طرح گسترده موضوع حساسیت نیروهای انقلابی در برابر دشمن در جامعه علمی کشور و تبدیل آن به مطالبه عمومی، مربوط به سخنان مقام معظم رهبری علیه‌السلام در مراسم سالگرد حضرت امام خمینی رحمته‌الله می‌باشد که معظم له در آن سخنرانی برخی آیات از جمله آیه ۵۲ سوره فرقان را مورد استناد قرار دادند (بیانات در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی رحمته‌الله، ۱۴ خرداد ۹۵)، جستجو در منابع اطلاعاتی بیانگر آن است که تحلیل مکتوبی در قالب کتاب یا مقاله در پیگیری مطالبات ایشان بر مبنای آیات قرآن منتشر نشده است، البته درباره اصل بحث دشمن شناسی از دیدگاه اسلام و نگرش قرآن به آن کتاب و رساله‌هایی به رشته تحریر درآمده‌است که به صورت جزئی به مسئله مورد پژوهش اختصاص یافته است، از جمله مهم‌ترین این نگاشته‌ها می‌توان به کتاب «تاریخ اسلام با رویکرد دشمن شناسی» تألیف علی اکبر مهدی پور (۱۳۹۰) اشاره کرد که درباره دشمنی یهود، نصاری، بنی امیه و منافقان با اسلام ناب است و به ذکر مصادیق تاریخی دشمنی با نظام اسلامی در صدر اسلام پرداخته است. کتاب «دشمن شناسی در آئینه وحی و نظام ارزشی» به قلم مهدی گنجور (۱۳۸۹) و «دشمن شناسی از منظر قرآن کریم» اثر جواد جمشیدی حسن آبادی (۱۳۹۱) از دیگر آثار در این زمینه هستند. همچنین فتح الله نجارزادگان در کتاب «مصاف بی‌پایان با شیطان» (۱۳۸۶) به ذکر دشمن درونی یعنی شیطان پرداخته است. برخی از پایان نامه‌های مراکز علمی کشور نیز به بررسی موضوع دشمن شناسی پرداخته‌اند از جمله اعظم سادات شبانی فارغ التحصیل کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا در سال ۹۴ با عنوان «مفهوم دشمن و شیوه‌های مواجهه با آن در قرآن و تورات»، غلام رسول مخلصی در جامعه المصطفی العالمیه مشهد با عنوان «راه‌های مقابله با دشمنان دین از نگاه قرآن» در سال ۱۳۹۳ و سجاد محمدنام در همان سال پایان نامه کارشناسی ارشد خود در دانشگاه امام صادق علیه‌السلام با عنوان «شناخت دشمن از منظر قرآن» را به پایان برده که هر کدام به گونه‌های

مختلف و با دیدگاه‌های گوناگون به بحث دشمن دیدگاه قرآن پرداخته‌اند. برخی منابع نیز به تحلیل دشمن شناسی از دیدگاه شخصیت خاصی اختصاص یافته‌اند؛ از جمله «دشمن شناسی از دیدگاه امام خمینی ره» به قلم حمید نگارش (۱۳۸۴) و «حدیث دشمن شناسی: مجموعه سخنان مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای پیرامون دشمن شناسی» که توسط حسین کریمی (۱۳۹۱) انتشار یافته است. همچنین محمدجواد سلمانپور مقاله «دشمن شناسی از دیدگاه امام خمینی ره» را در فصلنامه مصباح (۱۳۷۶) منتشر کرده است. کتاب «دشمن شناسی در کلام امام خامنه‌ای ره» نیز توسط محمدحسین رضایی (۱۳۹۱) تدوین شده است. بررسی این منابع و منابع مشابه دیگر نشان می‌دهد که به رغم اهمیت بحث دشمن شناسی در نظر محققان و شخصیت‌های اسلامی، مراتب حساسیت در برابر دشمن از دیدگاه قرآن مورد بررسی و تحلیل قرار نگرفته است.

۲. مفهوم شناسی

برای تلقی همسان از اصطلاحات و تبیین صحیح مقصود، برخی واژگانی که اهمیتی اساسی برای پژوهش دارند به طور اجمالی مورد تبیین قرار می‌گیرند تا فرایند انتقال صحیح پیام محقق گردد، از این رو واژه‌های «حساسیت»، «نیروهای انقلابی» و «دشمن» بررسی می‌شود.

۲ - ۱. حساسیت

«حساسیت» مصدر جعلی یا اسم مصدر از حساس (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۶، ۸۹۳۰، معین، ۱۳۷۵، ۱، ۱۳۵۴) از ریشه (ح س س) به معنای دریافتن، آگاهی یافتن، ادراک (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۶، ۸۹۲۰، معین، ۱۳۷۵، ۱، ۱۳۵۳) است، لذا حساسیت به معنای درک سریع موضوع (معین، ۱۳۷۵، ۱، ۱۳۵۴) و واکنش در برابر برخی وقایع و عوامل بیگانه بوده (عمید، ۱۳۷۷، ۵۲۲) و نقطه مقابل بی‌تفاوتی است. در کتب لغت ادبیات عرب نیز به معنای درک کردن و دریافتن آمده است و بدین جهت حواس را به قوای پنج‌گانه معروف به کار می‌برند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ق، ۲۳۱؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ق، ۲، ۹) زیرا درک کردن و دریافتن با آنها به دست می‌آید، تحلیل کاربردهای واژه حس در آیات قرآن بیانگر آن است که واژه حس درجایی به کار می‌رود که درک مطلبی علاوه بر فهم ذهنی با حواس ظاهری نیز به دست بیاید، از جمله به کار بردن واژه حس در آیه «فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَىٰ مِنْهُمُ الْكُفْرَ»؛ چون عیسی از آنان احساس کفر کرد (آل عمران ۵۲) بیانگر این مطلب است که کفر بنی اسرائیل کاملاً از ظاهر گفتار و رفتارشان مشخص بود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ق، ۲۳۲ طباطبایی، ۱۴۱۷، ق، ۳، ۲۰۲؛

جوادی آملی، ۱۳۸۹، ۱۴، ۳۵۸) لذا بعضی از علما حس را در این آیه به دیدن تفسیر کرده‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ۶، ۵۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ۲، ۷۵۶)؛ و در برخی روایات به دیدن و شنیدن تطبیق داده شده است: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى فَلَمَّا أَحَسَّ عَيْسَى مِنْهُمْ الْكُفْرَ أَيْ لَمَّا سَمِعَ وَرَأَى أَنَّهُمْ يَكْفُرُونَ؛ امام صادق (ع) درباره آیه «فَلَمَّا أَحَسَّ عَيْسَى مِنْهُمْ الْكُفْرَ» فرمود: یعنی زمانی که عیسی شنید و دید که آنها کافر شدند (قمی، ۱۴۰۴ ق، ۱، ۱۰۳). از این روی می‌توان گفت «حساسیت» یعنی واکنش در برابر برخی حوادث به گونه‌ای که این واکنش قابلیت درک با حواس ظاهری (دیدن یا شنیدن) را داشته باشد یا متکی به فهم عقلی باشد و چه بسا در برخی موارد واکنش حسی با واکنش عقلی همراه باشد.

۲-۲. نیروهای انقلابی

«انقلاب» واژه‌ای عربی از ریشه «قلب» به معنای دگرگونی و برگرداندن چیزی از سویی به سوی دیگر است (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ۵، ۱۷۱؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ ق، ۵، ۴۳۵؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ۵، ۱۷) لذا «انقلاب» در باب انفعال به معنای انصراف و بازگشتن خواهد بود (طریحی، ۱۳۷۵، ۲، ۱۴۷) که در برخی آیات مانند «إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ»؛ گفتند ما به سوی پروردگاران باز خواهیم گشت (اعراف ۱۲۵) به همین معنای لغوی به کاررفته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ۶۸۱). در زبان فارسی تعاریف اصطلاحی گوناگونی که از آن صورت گرفته است (شجاعیان، ۱۳۸۲، ۲۳ - ۲۶؛ عیوضی، ۱۳۸۷، ۴۴ - ۴۷؛ محمدی، ۱۳۸۷، ۲۱ - ۲۶؛ مطهری، ۱۳۷۸، ۲۴، ۱۴۴) که در مجموع می‌توان «انقلاب» را به معنای دگرگونی بنیادی در همه زمینه‌های اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی، حقوقی و به ویژه سیاسی دانست که نسبت به قبل از انقلاب اتفاق می‌افتد. (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ۳۴۷) که معادل چنین تعریفی در ادبیات عربی با «الثورة» از ریشه «ثور» به معنای هیجان و برانگیختگی (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ۴، ۱۰۸؛ مصطفوی، ۱۳۶۸، ۲، ۴۴ و ۴۵) بیان می‌شود. مراد از انقلاب در پژوهش حاضر «بعثت پیامبران» است که این تعبیر یا معادل عربی آن در آثار معاصران برای بعثت پیامبران به کاررفته است. از جمله می‌توان تفسیر تسنیم (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ۱۷، ۵۹)، تفسیر نمونه (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱، ۹۸، ۸، ۳۶۹ و ۳۷۰؛ ۱۲، ۳۱۸؛ ۱۳، ۲۷۶ و ۲۷۷؛ ۱۷، ۳۶۷)، من هدی القرآن (مدرسی، ۱۴۱۹ ق، ۳، ۴۳۸ و ۴۳۹؛ ج ۹، ۳۸ و ۳۹؛ ۱۳، ۳۰۳ و ۳۰۴)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ۱۹، ۲۳۸)، تفسیر الکاشف (مغنیه، ۱۴۲۴ ق، ۳، ۸ و ۹؛

۴، ۳۹۹ و ۴۰۰، ۴۱۷، ۴۳۲؛ ۵، ۵۲۴) و تفسیر من وحی القرآن (فضل الله، ۱۴۱۹ ق، ۶، ۱۵۶ و ۱۵۷) را نام برد. همچنین در برخی تفاسیر اهل تسنن نظیر التحرییر و التنویر (ابن عاشور، ۱۹۸۴ م، ۱۶، ۱۳۸)، التفسیر القرآنی للقرآن (خطیب، [بی تا]، ۸، ۶۵۴)، فی ظلال القرآن (قطب، ۱۴۱۲ ق، ۲، ۱۰۰۵ و ۱۰۰۶؛ ۳، ۱۳۴۶؛ ۵، ۲۶۸۳) نیز این تعابیر دیده می‌شود؛ چنان‌که در تألیفات غیرتفسیری برخی از علمای معاصر نیز به کاررفته است، از جمله شهید مطهری به مقایسه شباهت انقلاب ایران با انقلاب صدر اسلام پرداخته (مطهری، ۱۳۷۸، ۲۴، ۱۳۷ و ۱۴۸) و محمد شجاعیان، انقلاب پیامبر در صدر اسلام را از انقلاب های توحیدی محسوب کرده است (شجاعیان، ۱۳۸۲، ۴۸ - ۵۵) علمای دیگری نیز این تعبیر را به کار برده‌اند. (ر.ک. فارسی، ۱۳۶۱، ۱۰ - ۱۵).

بررسی معنای لغوی بعثت، ارتباط بین «انقلاب» و «بعثت پیامبران» را بیشتر روشن می‌کند، توضیح آنکه «بعثت» از ریشه «بعث» مشتق شده و سه حرف «ب ع ث» اصل واحدی هستند که بر «اثارة» و برانگیخته شدن دلالت می‌کنند (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ۱، ۲۶۶) و بررسی موارد مختلف استعمال آن بیان می‌کند که در هر موردی به تناسب آن مورد، مفهوم خاصی دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ۱، ۱۳۲)، مانند برانگیختن پیامبر ﷺ برای تبلیغ در آیه، برانگیختن لشکر برای جهاد، برانگیختن و بیدار کردن انسان خواب برای ادای وظایف، برانگیختن مردگان برای حساب و برانگیختن حیوان برای حرکت (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ۲، ۱۱۲؛ ابن فارس، ۴۰۴ ق، ۱، ۲۶۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ۲، ۱۱۶) که در همه این موارد نوعی دگرگونی و انقلاب دیده می‌شود؛ به عنوان مثال در آیه «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» و در حقیقت در میان هر امتی فرستاده‌ای برانگیختیم [تا بگوید] خدا را بپرستید و از طاغوت بپرهیزید (نحل ۳۶) ارسال رسول در هر امتی برای عبادت پروردگار و دوری از طاغوت نوعی دگرگونی اساسی ایجاد می‌کند و در بحث «انقلاب» به معنای مصطلح نیز برانگیختن توده‌های مردم و بیدار کردن آنها برای مبارزه با ظلم و ستم مشهود است. خاطر نشان می‌شود واژه «انقلاب» در قرآن به معنای اصطلاحی فوق به کار نرفته است. با این توضیح مصداق نیروهای انقلابی در آیات قرآن کریم نیروهای پیرو پیامبران (اعم از خود پیامبران یا پیروانشان) خواهند بود.

۲-۳. دشمن

دشمن واژه‌ای فارسی به معنای بدنفس، بددل، زشت طبع و به کسی یا کسانی اطلاق می‌گردد که به فرد ضرر می‌رسانند (دهخدا، ۱۳۷۷، ۷، ۱۰۹۰۸) یا بدخواه بوده و بدی و زیان کس دیگر را می‌خواهد (معین، ۱۳۷۵، ۲، ۱۵۳۷)، دشمنی در مقابل دوستی قرار دارد (عمید، ۱۳۷۷، ۶۰۳) و در قرآن واژه‌های متعددی با تفاوت‌های جزئی در مفهوم و به تناسب سیاق برای تبیین دشمن و دشمنی به کاررفته است که مهم‌ترین آنها از کلماتی با ریشه‌های زیر مشتق شده‌اند: عدو (بقره ۳۶ و ده‌ها آیه دیگر)، خصم (یس ۷۷) شئ (کوثر ۳) بغض (آل عمران ۱۱۸) قلی (ضحی ۳) لدد (بقره ۲۰۴) شقق (انفال ۱۳) حدد (توبه ۶۳)، عند (مدثر ۱۶).

برای نمونه می‌توان گفت عدو به معنی تجاوز به دیگری و گذشتن از حدود است (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ۴، ۲۴۹) مانند عبارت «وَقُلْنَا لَهُمْ لَا تَعْدُوا فِي السَّبْتِ»؛ به آنان گفتیم در روز شنبه تجاوز نکنید (نساء ۱۵۴) و دشمن را از این جهت عدو می‌گویند که از حدود خود تجاوز کرده و به حقوق دیگری مجوز عبور می‌دهد؛ مثلاً کفار دشمن معرفی شده‌اند: «إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا»؛ کافران پیوسته برای شما دشمنی آشکارند (نساء ۱۰۱) زیرا به اعتقادات مسلمانان تجاوز می‌کنند. یا شیطان که در آیه ۵ سوره یوسف دشمن انسان معرفی شده است: «إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ»؛ شیطان برای آدمی دشمنی آشکار است زیرا به حقوق انسان‌ها تجاوز کرده است. دشمنی کفار و شیطان هم ظاهری و هم باطنی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ۵۵۳)، اما برخی دشمنی‌ها در رفتار بروز نمی‌کند؛ مثلاً بت‌ها نسبت به حضرت ابراهیم علیه السلام عداوتی نداشتند و عداوت از جماد متصور نیست بلکه آنها جنبه معبودی داشتند و آن حالت ابراهیم را ناراحت می‌کرد (قرشی، ۱۳۷۱، ۴، ۳۰۶) لذا در مورد آنها هم تعبیر عداوت را به کار برده است: «فَأِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِي إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ»؛ قطعاً همه آنها جز پروردگار جهانیان دشمن من هستند (شعرا ۷۷). همچنان که منافقان نیز به عنوان دشمن معرفی شده‌اند هرچند در ظاهر رفتاری مخالف مسلمانان نشان نمی‌دهند و حتی گاهی رفتارشان از فرط تناسب ظاهری با رفتار مسلمانان، موجب شگفتی می‌شود: «وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ ... هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرُهُمْ»؛ و چون آنان را ببینی هیكل‌هایشان تو را به تعجب وامی‌دارد ... خودشان دشمن‌اند از آنان بپرهیز. (منافقون ۴) بنابراین می‌توان گفت در فرهنگ وحی، هرکسی یا کسانی یا چیزی که بدخواه بوده و قصد زیان مسلمانان را بخواهند دشمن تلقی می‌شوند حتی اگر در

رفتار خود چیزی بروز ندهند.

۳. مراتب حساسیت در برابر دشمن

با خلقت آدم، دشمنی با وی نیز شروع شد و خداوند به حضرت آدم برخی دشمنان را معرفی کرد تا از آن دوری کند، «فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَ لَزَوَجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكَمَا مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى»؛ پس گفتیم ای آدم در حقیقت این [ابلیس] برای تو و همسرت دشمنی [خطرناک] است زنهار شما را از بهشت بیرون نکند تا تیره بخت گردی (طه ۱۱۷). بی شک شناخت دشمن برای مقابله با وی کافی نیست و باید اقداماتی در مقابل آن انجام داد؛ چه اقدامی همانند اصحاب کهف که خود را از دشمن مخفی کردند (وَ لَا يُشْعِرَنَّ بِكُمْ أَحَدًا؛ هیچ کس را از [حال] شما آگاه نگرداند؛ کهف ۱۹) و چه گفتار زبانی حضرت لوط علیه السلام در برابر عمل قومش (إِنِّي لِعَمَلِكُمْ مِنَ الْفَالِينَ؛ گفت به راستی من دشمن کردار شمایم؛ شعراء ۱۶۸) و یا دستور جهاد با کفار و منافقین از سوی پیامبر خاتم صلوات الله علیه (يا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ؛ ای پیامبر با کافران و منافقان جهاد کن و بر آنان سخت بگیر؛ توبه ۷۳) که هر کدام بیانگر مراتبی از حساسیت در مقابل دشمن هستند و تحلیل آنها برای مسلمانان به عنوان الگو می‌تواند راهگشا باشد. آنچه مسلم است حساسیت صریح، دقیق و همه جانبه قرآن در برابر دشمن است به گونه‌ای که حتی اجازه انتخاب واژه‌ای را نمی‌دهد که دشمن از آن به نفع خود استفاده کند، از جمله به مسلمانان دستور می‌دهد به جای واژه «راعنا» از واژه «انظرنا» استفاده کنند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَ قُولُوا انظُرْنَا وَ اسْمِعُوا وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید نگویید راعنا و بگویید انظرنا و [این توصیه را] بشنوید و [گر نه] کافران را عذابی دردناک است (بقره ۱۰۴)؛ زیرا واژه راعنا دارای دو معنی است هم به معنی رعایت کردن و هم نوعی دشنام در زبان عبری به معنای تحمیق کردن یا آرزوی ناشنوایی برای شنونده (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ۲، ۱۱۹، طوسی، [بی‌تا]، ۱، ۳۸۸ و ۳۸۹؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ۳۵۷ و ۳۵۸؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ۳، ۶۳۴) و دشمن معنی دوم را مدنظر می‌گرفت تا به سخره مسلمانان بپردازد که قرآن دستور داد تا از واژه‌هایی استفاده گردد که فقط یک معنا دارد و موجب سوء استفاده دشمن نمی‌گردد.

با این توضیح می‌توان مراتب حساسیت در برابر دشمن را با سیر منطقی بر اساس آیات

قرآن به ترتیب زیر برشمرد:

۳-۱. شناخت دشمن و اهداف دشمنی

شناخت دشمن اولین ضرورت مقابله با آن است و بدون شناخت، حساسیت در برابر آن معنا ندارد، اهمیت شناخت دشمن در فرهنگ وحی به اندازه‌ای است که در حدیث نبوی در کنار شناخت پروردگار مطرح شده است: **أَلَا وَ إِنَّ أَعْقَلَ النَّاسِ عَبْدٌ عَرَفَ رَبَّهُ فَأَطَاعَهُ وَ عَرَفَ عَدُوَّهُ فَعَصَاهُ؛** بدانید که عاقل‌ترین مردم، بنده‌ای است که پروردگارش را شناخته و اطاعتش کند و دشمنش را شناخته و نافرمانی‌اش کند. (دیلمی، ۱۴۰۸ ق، ۳۳۷). راه شناخت دشمن و مصادیق کلی آن از طریق دستورات کلی قرآن میسر است ولی تطبیق مصادیق بر افراد در هر عصری همانند سایر احکام اسلام وظیفه هر فرد مؤمن انقلابی است. با بررسی آیات قرآن، موارد زیر را می‌توان به عنوان مصادیق کلی دشمنان معرفی کرد:

الف) شیطان: **«إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا»**؛ در حقیقت شیطان دشمن شماست شما [نیز] او را دشمن گیرید (فاطر ۶)؛ **«إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا»** شیطان همواره برای انسان دشمنی آشکار است؛ (اسراء ۵۳) و آیات دیگر (انعام ۱۴۲، اعراف ۲۲، یوسف ۵)
ب) یهود: **«لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ»**؛ مسلماً یهودیان را دشمن‌ترین مردم نسبت به مؤمنان خواهی یافت (مائده ۸۲).

ج) مشرکان و کفار: **«لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا ... وَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا»**؛ مسلماً ... و کسانی را که شرک ورزیده‌اند دشمن‌ترین مردم نسبت به مؤمنان خواهی یافت (مائده ۸۲)؛ **«إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا»**؛ کافران پیوسته برای شما دشمنی آشکارند (نساء ۱۰۱).

د) منافقان: **«هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرَهُمْ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ»**؛ [منافقان] خودشان دشمن‌اند از آنان بپرهیز خدا بکشدشان تا کجا [از حقیقت] انحراف یافته‌اند (منافقون ۴)
ه) بعضی از خویشاوندان نظیر همسران و فرزندان **«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَرْوَاجِكُمْ وَ أَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ»**؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید در حقیقت برخی از همسران شما و فرزندان شما دشمن شمایند (تغابن ۱۴)

و) برخی مصادیق دیگر نظیر بت‌ها: «قَالَ أَفَرَأَيْتُمْ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ أَنْتُمْ وَأَبَاؤُكُمْ الْأَقْدَمُونَ فَإِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِي إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ»؛ [ابراهیم] گفت آیا شما و پدران پیشین شما در آنچه می‌پرستیده‌اید تأمل کرده‌اید؟ قطعاً همه آن [بت‌ها] جز پروردگار جهانیان دشمن من هستند (شعراء ۷۵ - ۷۷)

البته شدت دشمنی برخی از دشمنان بیشتر است از جمله دشمنی یهودیان و مشرکان نسبت به مسلمانان شدیدتر است (مائده ۸۲). در برخی روایات نیز دشمنی کسی بزرگ دانسته شده است که مخفیانه دشمنی کند: «كَبُرُ الْأَعْدَاءِ أَخْفَاهُمْ مَكِيدَةً» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ۱۲۶)؛ البته برخی ملاک‌های کلی از ویژگی‌های دشمنان در آیات ذکر شده است تا نیروهای انقلابی در شناخت مصادیق دشمنان از آنها بهره جویند، از جمله مهم‌ترین این ویژگی‌ها که بیانگر برخی اهداف دشمنان هستند عبارت‌اند از:

- عدم خیرخواهی برای مؤمنان: «مَا يُوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ»؛ نه کسانی که از اهل کتاب کافر شده‌اند و نه مشرکان [هیچ کدام] دوست نمی‌دارند خیری از جانب پروردگارتان به شما برسد (بقره ۱۰۵)
- آرزوی گمراهی مؤمنان و تلاش برای ارتداد آنها: «يَشْتَرُونَ الضَّلَالَةَ وَيُرِيدُونَ أَنْ تَضِلُّوا السَّبِيلَ»؛ گمراهی را می‌خرند و می‌خواهند شما [نیز] گمراه شوید (نساء ۴۴) «وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا»؛ و آنان پیوسته با شما می‌جنگند تا اگر بتوانند شما را از دینتان برگردانند (بقره ۲۱۷)
- امر به بدی و فحشاء: «إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ»؛ [شیطان] شما را فقط به بدی و زشتی فرمان می‌دهد (بقره ۱۶۹)
- شادی با رسیدن سختی به مؤمنان و ناراحتی با دیدن شادی مؤمنان: «إِنْ تَمَسَّكُمْ حَسَنَةٌ تَسُوهُمْ وَإِنْ تَصِيبُكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ»؛ اگر به شما خوشی رسد آنان را بدحال می‌کند و اگر به شما گزندی رسد بدان شاد می‌شوند و اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایید نیرنگشان هیچ زبانی به شما نمی‌-

رساند یقیناً خداوند به آنچه می‌کنند احاطه دارد (آل عمران ۱۲۰)

- تلاش برای سلطه بر مسلمانان: «إِنْ يَتَّقُوا لَكُمْ أَعْدَاءَ وَيَسْئُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتَهُم بِالسُّوءِ» اگر بر شما مسلط شوند، دشمن شما می‌گردند و بر شما به بدی دست و زبان بگشایند. (ممتحنه ۲)

۳-۲. شناخت زمینه‌ها و راه‌های دشمنی

دشمن از هر بستری برای دشمنی کردن استفاده می‌کند اما در برخی زمینه‌ها، استعداد گمراهی نیروهای انقلابی بیشتر فراهم است که لازم است این زمینه‌ها شناسایی و به دقت رصد گردند. همچنین برای ضربه زدن به نیروهای انقلابی از هر راهی که بتواند استفاده می‌کند که دشمنی در برخی از این راه‌ها با سهولت همراه بوده و نتایج سریع‌تر و بیشتری به ارمغان می‌آورد، لذا باید آن راه‌ها شناسایی شده و مسدود گردند. قرآن مهم‌ترین زمینه‌های دشمنی را چنین مطرح کرده است:

الف) دشمن در برخی موارد با ضربه زدن به اصل دین که همان اعتقادات است در صدد القای شبهه و تردید در میان مسلمانان می‌کند، نمونه‌هایی از این زمینه دشمنی مباحث مربوط به اصل توحید، نبوت و معاد است؛ در صورتی که دشمن در اصول اساسی دین شبهه افکنی نماید، نیازی به تلاش‌های بعدی برای نابودی نیروهای انقلابی نخواهد داشت، از این رو لازم است تا مسلمانان اعتقادات را به عنوان اساسی‌ترین بخش دین با باوری قلبی و یقین بپذیرند، چنانکه طبق نظر علمای اسلام پذیرش مسائل اعتقادی برخلاف احکام، یقینی است و تقلیدی نیست (طوسی، ۱۴۱۷، ق، ۲، ۷۳۲). بررسی تاریخ اسلام نشان دهنده تلاش وافر دشمن با شیوه‌های گوناگون برای سست کردن اعتقادات نیروهای انقلابی است، به عنوان نمونه تعدادی از اهل کتاب با برنامه‌ای از پیش طراحی شده در ابتدای روز مسلمان شده و اعلام کردند علائم و نشانه‌های پیامبر وعده داده شده در کتب آسمانی قبلی با حضرت محمد ﷺ تطبیق می‌کند، لذا به آن حضرت ایمان آورده و اسلام را پذیرفتند، لیکن در انتهای روز اعلام کردند که پس از بررسی دقیق و نزدیک خصوصیات پیامبر و دین اسلام روشن شد که برخی دیگر از نشانه‌های دین خاتم در آن حضرت وجود ندارد لذا این فرد پیامبر خاتم نیست. (طبرسی، ۱۳۷۲، ۲، ۷۷۴؛ قمی، ۱۴۰۴، ق، ۱، ۱۰۵؛ طبری، ۱۴۱۲، ق، ۳، ۲۲۱؛ واحدی نیشابوری، ۱۴۱۱، ق، ۱۱۲) هدف این افراد ضربه زدن به اصل اعتقادات بود تا مسلمانان نسبت به اصل دین تردید نموده و به کفر برگردند، قرآن کریم این نقشه دشمن را چنین افشا نموده است:

«وَقَالَتْ طَّائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمِنُوا بِالَّذِي أُنزِلَ عَلَيَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَجْهَ النَّهَارِ وَاكْفُرُوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»؛ جماعتی از اهل کتاب گفتند در آغاز روز به آنچه بر مؤمنان نازل شد ایمان بیاورید و در پایان [روز] انکار کنید شاید آنان [از اسلام] برگردند (آل عمران ۷۲)

تردید در اصل نبوت پیامبر و رهبری دینی و سیاسی جامعه فقط به این مورد خلاصه نمی‌شود؛ بلکه گونه‌های دیگری نیز در آیات دیده می‌شود شکستن قداست رهبری (مؤمن ۲۶)، ایجاد تردید در بین مردم نسبت به حقانیت رهبر (اعراف ۷۵، رعد ۴۳، فرقان ۷ و ۸؛ تغابن ۶)، استهزای رهبر (هود ۳۸، انبیاء ۳۶، حجر ۱۱، زخرف ۵۲) عیب جویی در رفتار رهبری از جمله در مسائل اقتصادی (توبه ۵۸) و حتی تهدید رهبر با ابزار مختلف از تبعید (توبه ۱۳، ابراهیم ۱۳، اعراف ۸۸) و زندانی کردن (شعراء ۲۹) تا قتل (آل عمران ۲۱، انفال ۳۰، قصص ۲۰) نمونه‌هایی از دشمنی با اصل رهبری دینی و سیاسی جامعه اسلامی است.

ب) در اجرای بخشی از فروع دین و احکامی که مربوط به افعال مسلمانان است زمینه دشمنی وجود دارد، از جمله شیطان با شراب و قمار سعی در ایجاد دشمنی بین مردم دارد تا از یاد خدا باز دارد: «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ»؛ همانا شیطان می‌خواهد با شراب و قمار میان شما دشمنی و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا و از نماز باز دارد پس آیا شما دست برمی‌دارید (مائده ۹۱). مسائل جنسی و ارضای غیرشرعی نیازهای جنسی نمونه دیگری از این احکام است که حضرت لوط علیه السلام دشمنی خود را با آن نشان داده است: «قَالُوا لَئِن لَّمْ تَنْتَهَ يَا لُوطُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمُخْرَجِينَ قَالَ إِنِّي لِعَمَلِكُمْ مِنَ الْقَالِينَ»؛ گفتند ای لوط اگر دست برداری قطعاً از اخراج شدگان خواهی بود، [لوط] گفت به راستی من دشمن کردار شمایم (شعراء ۱۶۷ و ۱۶۸). وجود مراکز فرهنگی اسلام نظیر مسجد به عنوان زمینه‌ای برای سوء استفاده دشمن فراهم آورده است تا با فعالیت در قالب مسجد و برنامه‌های فرهنگی هر نوع شک و شبهه‌ای را از خود دور کنند و از درون به نیروهای انقلابی ضربه بزنند که نمونه آن در زمان پیامبر خاتم صلوات الله علیه توطئه برخی منافقان در ساخت مسجد ضرار بود که با دستور وحی در آیات ۱۰۷ تا ۱۱۰ سوره توبه ناپود شد (طبری، ۱۳۸۷، ۳، ۱۱۰؛ بلاذری، ۱۴۱۷، ق، ۱، ۲۸۲ و ۲۸۳).

ج) مسائل خانوادگی زمینه دشمنی برخی از همسران و فرزندان نیروهای انقلابی را ایجاد می‌کند

که خداوند در این زمینه هشدار داده و دستور به درایت، عفو و گذشت می‌دهد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَرْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعَفَوْا وَتَصَفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید در حقیقت برخی از همسران شما و فرزندان شما دشمن شما هستند از آنان بر حذر باشید و اگر ببخشایید و درگذرید و ببامرزید به راستی خدا آمرزنده مهربان است (تغابن ۱۴)، فرزند نوح عليه السلام (هود ۴۵ و ۴۶) زن لوط و زن نوح (تحریم ۱۰) برخی مصادیق دشمنان خانوادگی در قرآن معرفی شده است.

د) مسائل اقتصادی از دیگر زمینه‌های مهم برای بدخواهی دشمن است که نمونه بسیار واضح آن را می‌توان در رفتار منافقان در صدر اسلام دید، فقر برخی از مسلمانان و حتی زندگی تعدادی از آنها در کنار مسجد پیامبر بدون لوازم اولیه (واقعی، ۱۴۱۸ ق، ۱، ۱۹۶ - ۱۹۷؛ بلاذری، ۱۴۱۷ ق، ۱، ۲۷۲)، باعث شد تا منافقان گمان کنند اگر کمک مالی به این افراد صورت نگیرد از اطراف پیامبر دور شده و اسلام نابود خواهد شد، قرآن کریم برنامه آنها را نقل و سپس به آن پاسخ می‌دهد: «هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَيَّ مِنْ عِنْدِ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفُضُوا وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ»؛ آنان کسانی هستند که می‌گویند به کسانی که نزد پیامبر خدایند انفاق نکنید تا پراکنده شوند و حال آنکه گنجینه‌های آسمان‌ها و زمین از آن خداست ولی منافقان درک نمی‌کنند (منافقون ۷). لازم به ذکر است که دشمنان فقط به این ممانعت اکتفا نمی‌کردند بلکه اموالی را صرف می‌کردند تا از راه خدا جلوگیری کنند و به عبارتی برای تحریم نیروهای انقلابی از بذل مال دریغ نمی‌کردند: «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ»؛ بی‌گمان کسانی که کفر ورزیدند اموال خود را خرج می‌کنند تا [مردم را] از راه خدا بازدارند (انفال ۳۶)

ه) گفتار زمینه دیگر دشمنی می‌باشد که قرآن برای رصد آن، به انتخاب واژگان نیکو تأکید کرده است، جالب آن است که پس از تأکید به گفتار نیک، سخن از تلاش شیطان برای ایجاد دشمنی به میان آمده است تا نشان دهد بی‌دقتی در سخن گفتن زمینه دشمنی را فراهم می‌کند: «وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُبِينًا»؛ به بندگانتان بگو آنچه را که بهتر است بگویند که شیطان میانشان را به هم می‌زند زیرا شیطان همواره برای انسان دشمنی آشکار است (اسراء ۵۳) چنانکه در ابتدای بحث تحلیل یافته‌ها نیز اشاره شد با

انتخاب واژه «راعنا» به جای «انظرنا» چنین زمینه‌ای برای دشمنی ایجاد گردید. (بقره ۱۰۴)

اما مهم‌ترین راه‌های دشمنی با نیروهای انقلاب بر اساس آیات قرآن عبارت‌اند از:

الف) تفرقه افکنی؛ اعتصام به ریسمان الهی دستور الهی بوده (آل عمران ۱۰۳) و اتحاد میان مردم به اندازه‌ای اهمیت دارد که در حدیث نبوی از لوازم مسلمانی دانسته شده است: ثَلَاثٌ لَا يُغْلُ عَلَيْهِنَّ قَلْبُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ: إِخْلَاصُ الْعَمَلِ لِلَّهِ وَ النَّصِيحَةُ لِأَيِّمَةِ الْمُسْلِمِينَ وَ الزُّرُومُ لِجَمَاعَتِهِمْ؛ سه چیز است که دل هیچ فرد مسلمانی در آنها خیانت روا نمی‌داند: خالص نمودن عمل برای خدا، خیرخواهی برای پیشوایان مسلمانان و همراه بودن با جماعت مسلمانان (کلینی، ۱۴۲۹ ق، ۲، ۳۳۶).
 باین حال برخی از مسلمانان متوجه اهمیت این مسئله نشده و گرفتار تفرقه می‌شوند، همان راهی که دشمن برای اختلاف افکنی میان نیروهای انقلابی در برخی مواقع انتخاب می‌کند، نمونه قرآنی چنین تلاشی از سوی دشمن را می‌توان تفرقه افکنی فرعون دانست تا فرزندان یعقوب علیهم‌السلام نتوانند با یکدلی علیه فرعون قیام نمایند (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۱۶، ۸): «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُدَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ»؛ فرعون در سرزمین [مصر] سر برافراشت و مردم آن را طبقه طبقه ساخت طبقه‌ای از آنان را زبون می‌داشت پسرانشان را سر می‌برید و زنانشان را [برای بهره‌کشی] زنده بر جای می‌گذاشت که وی از فسادکاران بود (قصص ۴). تاریخ نشان داده است که وجود نیروهای انقلابی کارآمد باعث می‌شود تا دشمن از این راه نتواند بر جامعه تسلط یابد، از جمله فردی همانند حضرت هارون علیهم‌السلام که در ماجرای گوساله پرستی بنی اسرائیل، برای عدم تفرقه میان موحدان، راه سکوت را در پیش گرفت: «قَالَ يَا هَارُونَ مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا أَلَّا تَتَّبِعَنِ أَفَعَصَيْتَ أَمْرِي قَالَ يَا ابْنَ أُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَمْ تَرَفُّبُ قَوْلِي»؛ [موسی] گفت ای هارون وقتی دیدی آنها گمراه شدند چه چیز مانع تو شد که از من پیروی کنی آیا از فرمانم سر باز زدی؟ گفت ای پسر مادرم نه ریش مرا بگیر و نه [موی] سرم را من ترسیدم بگویی میان بنی اسرائیل تفرقه انداختی و سخنم را مراعات نکردی (طه ۹۲ - ۹۴). شبیه این حرکت هارون علیهم‌السلام پس از رحلت پیامبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در گفتار و رفتار حضرت علی علیه‌السلام دیده می‌شود که حضرت می‌فرماید: وَلَيْسَ رَجُلٌ فَاعْلَمَ أَحْرَصَ عَلَى جَمَاعَةِ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم وَالْفِتْيَا مِنِّي أَبْتَغِي بِذَلِكَ حُسْنَ الثَّوَابِ وَكَرَمَ الْمَأْبِ؛

بدان! هیچ کس نسبت به وحدت، اتحاد، الفت و همزیستی امت محمد ﷺ از من حریص تر و کوشاتر نیست. من در این کار پاداش نیک و سرانجام شایسته را از خدا می‌طلبم. (نهج البلاغه، نامه ۷۸)

(ب) عوام فریبی: فریفتن عوام مردم از راه‌هایی است که دشمن برای مقابله با نیروهای انقلابی در پیش می‌گیرد تا با فریب عموم مردم، خواص و رهبر جامعه را در تنگنای پذیرفتن خواسته‌های خود قرار دهند، در صدر اسلام تعدادی از اهل کتاب از چنین روشی برای تحریف حقایق کتاب آسمانی بهره گرفتند؛ تا مردم را به اشتباه بیندازند، آنها چنان زبان به خواندن کتاب آسمانی می‌گرداندند که گمان می‌شد در حال تلاوت کتاب آسمانی هستند درحالی‌که چنان نبود: «وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلُؤْنَ أَلْسِنَتَهُم بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ»؛ و از میان آنان گروهی هستند که زبان خود را به [خواندن] کتاب [تحریف شده‌ای] می‌پیچانند تا آن [بربافته] را از [مطالب] کتاب [آسمانی] پندارید با اینکه آن از کتاب [آسمانی] نیست و می‌گویند آن از جانب خداست در صورتی‌که از جانب خدا نیست و بر خدا دروغ می‌بندند با اینکه خودشان [هم] می‌دانند (آل عمران ۷۸)

(ج) تخریب شخصیت نیروهای انقلابی؛ نیروی انسانی از مهم‌ترین سرمایه‌های یک انقلاب محسوب می‌گردد که هر فعالیتی با کمک آنها انجام می‌گردد، حتی در مورد اقوام غیر موحد نیز وجود نیروی انسانی باعث ایجاد تمدن‌های بزرگی گردیده است، از جمله قوم عاد که دارای تمدن بزرگ (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۹، ۱۴۶) و معروف به کثرت فرزند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ق، ۱۸، ۲۱۳) بودند چنین خطاب داده شده‌اند: «وَأَتَقُوا الَّذِي أَمَدُّكُمْ بِمَا تَعْلَمُونَ أَمَدُّكُمْ بِأَنْعَامٍ وَبَيْنَ»؛ و از آن کس که شما را به آنچه می‌دانید مدد کرد پروا دارید شما را به [دادن] دام‌ها و پسران مدد کرد. (شعراء ۱۳۲ و ۱۳۳). دشمن از سرمایه نیروهای انسانی واهمه دارد، لذا در ساده‌ترین صورت ممکن در تخریب شخصیت آنها می‌کوشد، لذا نسبت‌های غیرواقعی یا مطامع مادی در مورد آنها مطرح می‌کند، نظیر عبارتی که از سوی کفار در مورد پیروان نوح به کاررفته است: «قَالُوا أَنْتُمْ لَكُمْ وَاتَّبَعَكَ الْأَرْذُلُونَ»؛

[به نوح ﷺ] گفتند آیا به تو ایمان بیاوریم و حال آنکه فرومایگان از تو پیروی کرده‌اند (شعراء ۱۱۱)

(د) جنگ روانی نظیر خدعه و نیرنگ با مؤمنان؛ به کار بردن نیرنگ به ویژه از سوی جریان دو چهره نفوذی در درون نیروهای انقلاب مانند منافقان از دیگر راه‌های دشمن برای تسلط می‌باشد که خداوند از آن به خدعه تعبیر کرده است: «يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ

وَمَا يَشْعُرُونَ»، با خدا و مؤمنان نیرنگ می‌بازند ولی جز بر خویشتن نیرنگ نمی‌زنند و نمی‌فهمند (بقره ۹)

برخی دیگر از روش‌های دشمن نیز مربوط به نبرد مسلحانه است مانند تلاش برای حملات غافلگیرکننده که در این زمینه به مسلمانان هشدار می‌دهد: «وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً»؛ کافران آرزو می‌کنند که شما از جنگ افزارها و سازوبرگ خود غافل شوید تا ناگهان بر شما یورش برند (نساء ۱۰۲).

۳-۳. تبیین صریح و شفاف مواضع

بیان صریح عقاید و ترسیم خطوط اعتقادی، اخلاقی و رفتاری و مرزبندی شفاف در مقابل دشمن علاوه بر کمک به نیروهای خودی و تبلیغ صحیح نیروهای انقلابی و عقاید آنها، راه هرگونه سوء استفاده دشمن یا نیروهای منافق را می‌بندد، بررسی عملکرد پیامبران و پیروان آنها در آیات قرآن کریم بیانگر تبیین صریح و دقیق مواضع انقلابی است، از جمله حضرت ابراهیم علیه السلام و پیروانش به صراحت از کفار بیزاری می‌جویند: «فَدَا كَانَتْ لَكُمْ أَسْوَأُ حَسَنَةً فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدُّهُ»؛ قطعاً برای شما در [پیروی از] ابراهیم و کسانی که با اویند سرمشقی نیکوست آنگاه که به قوم خود گفتند ما از شما و از آنچه به جای خدا می‌پرستید بیزاریم به شما کفر می‌ورزیم و میان ما و شما دشمنی و کینه همیشگی پدیدار شده تا وقتی که فقط به خدا ایمان آورید (ممتحنه ۴). حضرت لوط دشمنی صریح خود را با عمل قومش اعلام می‌کند: «قَالَ إِنِّي لِعَمَلِكُمْ مِنْ الْقَالِينَ» [لوط] گفت به راستی من دشمن کردار شمایم (شعراء ۱۶۸) و خداوند به پیامبر خاتم دستور تبری صریح از اعمال کفار می‌دهد: «وَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ لِي عَمَلِي وَ لَكُمْ عَمَلُكُمْ أَنْتُمْ بَرِيئُونَ مِمَّا أَعْمَلُ وَأَنَا بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ»؛ و اگر تو را تکذیب کردند بگو عمل من به من اختصاص دارد و عمل شما به شما اختصاص دارد شما از آنچه من انجام می‌دهم غیرمسئولید و من از آنچه شما انجام نمی‌دهید غیرمسئولم (یونس ۴۱) و در سوره کافرون با صراحت خطاب به بخشی از کفار که از پذیرش دین پیامبر خاتم خودداری می‌کنند (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۲۰، ۳۷۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ۱۰،

۸۴۰؛ زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ۴، ۸۰۸) با تحقیر ضمنی آنها (ابن عاشور، ۱۹۸۴ م، ۳۰، ۵۱۰) اعلام سازش ناپذیری می‌کند: «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينٍ»؛ بگو ای کافران! آنچه می‌پرستید نمی‌پرستم و آنچه می‌پرستید شما نمی‌پرستید و نه آنچه پرستیدید من می‌پرستم و نه آنچه می‌پرستم شما می‌پرستید دین شما برای خودتان و دین من برای خودم (کافرون ۱ - ۶).

۳ - ۴ - اتخاذ تدابیر پیشگیرانه

پس از شناخت دشمن و آگاهی از روش‌های دشمنی باید تدابیری اندیشید که دشمن نتواند در زمینه‌های مختلف اقدامی مؤثر انجام دهد یا اقدامات وی خنثی شود به بیان دیگر دشمن جرئت اقدام خصمانه علیه نیروهای انقلابی نداشته باشد، در این زمینه گاهی برخی اقدامات کلی برای تک نیروهای انقلابی از جمله آگاهی بخشی و تقویت اعتقادات لازم است و گاهی برای حکومت انقلابی به عنوان متولی جامعه اسلامی لازم است تا برخی تجهیزات را فراهم نماید. تدبیر مهم برگرفته از آیات قرآن در این زمینه را می‌توان چنین طبقه بندی کرد:

الف) تقویت اعتقادی نیروهای انقلابی؛ وجود اعتقادات قوی در انقلابیون باعث می‌شود تا دشمن نتواند عقبه اعتقادی نیروها را درهم شکسته و با نفوذ در نیروهای اعتقادی، جامعه اسلامی را به نابودی بکشد، خداوند در این زمینه با صراحت تأکید دارد که پشتیبانی مؤمنان با خداوند است: «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ»؛ چراکه خدا سرپرست کسانی است که ایمان آورده‌اند ولی کافران را سرپرست [و یاری] نیست (محمد ۱۱) و جهاد هنگامی هدایت مطلوب را به همراه دارد که برای خدا باشد: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا»؛ و کسانی که در راه ما کوشیده‌اند به یقین راه‌های خود را بر آنان می‌نماییم (عنکبوت ۶۹). با توجه به برخی آیات مهم‌ترین دلیل انحراف نیروهای انقلابی از اصل انقلاب و اسلام وجود رخنه‌های اعتقادی است، از جمله کفر منافقان پس از ایمان باعث شده است تا در فهم دچار سرگردانی شوند و از جمع نیروهای انقلابی خارج گردند: «ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ»؛ این بدان سبب است که آنان ایمان آورده سپس به انکار پرداخته‌اند و در نتیجه بر دل‌هایشان مهر زده شده و [دیگر] نمی‌فهمند (منافقون ۳) این افراد شناخت صحیحی از خداوند ندارند به عنوان نمونه عزت پروردگار را باور نداشته و در غیر خداوند به دنبال آن هستند: «بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا الَّذِينَ الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ

الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَبِئْتَعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا»؛ به منافقان خبر ده که عذابی دردناک [در پیش] خواهند داشت، همانان که غیر از مؤمنان کافران را دوستان [خود] می-گیرند آیا سربلندی را نزد آنان می‌جویند [این خیالی خام است] چرا که عزت همه از آن خداست (نساء ۱۳۸ و ۱۳۹).

شناخت درست رهبر جامعه اسلامی نیز لازمه اعتقادی نیروهای انقلابی است، به گونه‌ای که عدم شناخت صحیح شخصیت حقوقی رهبر جامعه اسلامی در غزوه احد باعث شد تا با انتشار شایعه کشته شدن پیامبر، تعدادی از مسلمانان اسلام را رها کنند (طبری، ۱۳۸۷ ق، ۲، ۵۲۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ۲، ۸۴۸؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷ ق، ۴، ۳۰ و ۳۱)؛ به همین دلیل قرآن فرد پرستی را ممنوع کرده (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۳، ۱۱۵ و ۱۱۶) و فرمود: «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ»؛ محمد جز فرستاده‌ای که پیش از او [هم] پیامبرانی [آمده و] گذشتند نیست آیا اگر او بمیرد یا کشته شود از عقیده خود برمی‌گردید و هر کس از عقیده خود بازگردد هرگز هیچ زبانی به خدا نمی‌رساند و به زودی خداوند سپاسگزاران را پاداش می‌دهد (آل عمران ۱۴۴).

همچنین ضرورت شناخت و باور به معاد باعث تقویت اعتقادی نیروهای انقلابی شده و از آسیب‌های احتمالی ممانعت می‌کند؛ بررسی تاریخی صدر اسلام نشان می‌دهد دلیل اصلی فرار تعدادی از مسلمانان از جهاد عدم ایمان به خدا و روز قیامت است: «لَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ يَوْمُنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ إِنَّمَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَارْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِي رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ»؛ کسانی که به خدا و روز بازپسین ایمان دارند در جهاد با مال و جانشان از تو عذر و اجازه نمی‌خواهند و خدا به [حال] تقواییشان داناست، تنها کسانی از تو اجازه می‌خواهند [به جهاد نروند] که به خدا و روز بازپسین ایمان ندارند و دل‌هایشان به شک افتاده و در شک خود سرگردانند (توبه ۴۴ و ۴۵).

توجه به اعتقاد سالم سردمداران جامعه و حکام اسلامی نسبت به عموم مردم، ضرورت بیشتری دارد، به گونه‌ای که خداوند در ابتدای بعثت در سوره مزمل، برنامه جامع آماده‌سازی پیامبر خاتم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای دریافت پیام‌های وحی و انتقال آن به مردم را ذکر می‌کند تا این برنامه‌ها زمینه‌ساز آغاز رسالت انذاری پیامبر باشد (بهجت پور، ۱۳۹۳، ۱، ۲۳۷): «يَا أَيُّهَا الْمُرْمَلُ قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ

مِنْهُ قَلِيلًا أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلًا إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا وَادْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ وَ تَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا؛ ای جامه به خویشتن فرو پیچیده! به پا خیز شب را مگر اندکی، نیمی از شب یا اندکی از آن را بکاه یا بر آن [نصف] بیفزای و قرآن را شمرده شمرده بخوان، در حقیقت ما به زودی بر تو گفتاری گرانبار القا می-کنیم، قطعاً برخاستن شب رنجش بیشتر و گفتار [در آن هنگام] راستین تر است [و] تو را در روز آمد و شدی دراز است و نام پروردگار خود را یاد کن و تنها به او بپرداز (مزمّل ۱ - ۸) علی علیه السلام نیز گونه دیگری تربیت سالم حاکم اسلامی را به تصویر کشیده است: مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَعَلَيْهِ أَنْ يَبْدَأَ فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ؛ کسی که خود را در مقام پیشوائی و امام مردم قرار می دهد باید پیش از آنکه به تعلیم دیگران بپردازد به تعلیم خویش بپردازد و باید تأدیب کردن او به عملش پیش از تأدیب کردن به زبانش باشد (نهج البلاغه، کلمه قصار ۷۳).

ب) تقویت اخلاقی نیروهای انقلابی؛ آراستگی به فضایل اخلاقی از ضرورت‌های پیشگیرانه در مقابل نفوذهای دشمن است، برخی نیروهای انقلابی به دلیل انجام معاصی لغزیده‌اند، از جمله دلیل لغزش تعدادی در جنگ احد (طبرسی، ۱۳۷۲، ۲، ۸۶۴؛ ابن عاشور، ۱۹۸۴، م، ۳، ۲۶۱) ارتکاب برخی گناهان نظیر دلدادگی به غنائم دنیوی، حرص به مال و بقا در دنیا، (طبرسی، ۱۳۷۲، ۲، ۸۶۴؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ق، ۱، ۳۹۴) بود: «إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا»؛ روزی که دو گروه [در احد] با هم رویاروی شدند کسانی که از میان شما [به دشمن] پشت کردند در حقیقت جز این نبود که به سبب پاره‌ای از آنچه [از گناه] حاصل کرده بودند شیطان آنان را بلغزانید (آل عمران ۱۵۵)؛ همچنین بر اساس آیه ۷۷ سوره توبه خلف وعده باعث ماندگاری نفاق می‌شود: «فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ»؛ در نتیجه به سزای آنکه با خدا خلف وعده کردند و از آن روی که دروغ می‌گفتند در دل‌هایشان تا روزی که او را دیدار می‌کنند پیامدهای نفاق را باقی گذارد. در شأن نزول این آیه آمده است که منافقان وعده داده بودند تا زکات مالشان را پرداخت کنند ولی خلف وعده کرده و نپرداختند (طبرسی، ۱۳۷۲، ۵، ۸۲؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ق، ۱۶، ۱۰۵) لذا خلف وعده که از گناهان اخلاقی است باعث ریشه‌دار شدن نفاق در قلوب آنها گردید.

ج) هشدار به مؤمنان در انتخاب دوست؛ برای پیشگیری از بدخواهی دشمن و نفوذ وی در نیروهای انقلابی، خداوند دستور داده است تا از هرگونه دوستی با دشمن پرهیز شود، لذا به طور صریح می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَلَا تَتَذَكَّرُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُبِينًا»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید به جای مؤمنان کافران را به دوستی خود مگیرید آیا می‌خواهید علیه خود حجتی روشن برای خدا قرار دهید (نساء ۱۴۴) و نیز می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید دشمن من و دشمن خودتان را به دوستی برمگیرید [به طوری] که با آنها اظهار دوستی کنید و حال آنکه قطعاً به آن حقیقت که برای شما آمده کافرند (ممتحنه ۱). قابل توجه این است که حتی از دوستی با خویشاوندان نزدیک هم به دلیل کفر و دشمنی با رهبر جامعه ممانعت به عمل آمده است: «لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ»؛ قومی را نیابی که به خدا و روز بازپسین ایمان داشته باشند [و] کسانی را که با خدا و رسولش مخالفت کرده‌اند هرچند پدرانشان یا پسرانشان یا برادرانشان یا عشیره آنان باشند دوست بدانند (مجادله ۲۲)

لازمه هشدار به مؤمنان این است که دستورالعمل‌های صریح در زمینه‌هایی که دشمن امکان فعالیت دارد تدوین گردد که دین اسلام چنین دستورالعمل‌هایی را ارائه کرده است، از جمله لزوم تبعیت از رهبری (نساء ۵۹، انفال ۴۶) و تعیین جانشین پیامبر طبق اعتقاد شیعه در آیاتی نظیر آیه ولایت (مائده ۵۵)، وجود قوانین صریح اقتصادی از جمله تحریم ربا (بقره ۲۷۵ - ۲۸۰) ارائه دستورالعمل‌های کنترل نگاه (نور ۳۰ و ۳۱) و دستور ازدواج (نور ۳۲ و ۳۳) برای جلوگیری از نفوذ دشمن درونی و ممانعت از تحریک شیطان جهت پیشگیری از مشکلات اخلاقی نیروهای انقلابی، دستورالعمل‌های خاص رفتاری به برخی افراد مطرح و بزرگان جامعه برای جلوگیری از نفوذ منافقان و سوءاستفاده آنها از جمله رعایت تقوا و عدم تبرج جاهلی (احزاب ۳۲ و ۳۳) در این زمینه قابل استناد است.

د) عدم تبعیت از دشمن؛ گاهی موارد نیروهای انقلابی به طور ناخواسته از دشمن تبعیت می‌کنند (تبعیت خواسته نشانگر نفاق است) از این روی خداوند بارها به مؤمنان هشدار داده است که از دشمن تبعیت نکنند، عدم پیروی از دشمن به منزله نوعی پیشگیری محسوب می‌گردد؛ زیرا باعث می‌شود

بدون اقدام خاص تهاجمی از سوی نیروهای انقلابی، دشمن از رسیدن به اهداف خود بازماند؛ خداوند در زمینه عدم تبعیت از دشمن چنین دستور داده است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا»؛ ای پیامبر از خدا پروا بدار و کافران و منافقان را فرمان مبر که خدا همواره دانای حکیم است (احزاب ۱) دلیل این نهی محافظت از ایمان است؛ زیرا اطاعت از دشمن همان کفر و ارتداد محسوب می‌گردد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يَرُدُّوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر از کسانی که کفر ورزیده‌اند اطاعت کنید شما را از عقیده‌تان بازمی‌گردانند و زیانکار خواهید گشت (آل عمران ۱۴۹)

هـ) تأمین ابزار موردنیاز و تجهیزات قوی برای پیشگیری از تهاجم دشمن؛ در کنار تقویت اعتقادی و اخلاقی نیروهای انقلابی، وجود برخی تجهیزات نظامی و غیرنظامی باعث ممانعت دشمن از حمله دشمن به جامعه انقلابی می‌گردد، قرآن به ماجرای سدسازی ذوالقرنین اشاره کرده است که با ایجاد حائلی آهنی میان شکاف دو کوه، مانع از نفوذ دشمنان نیرومندی چون یاجوج و ماجوج گردید: «قَالُوا يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَ مَاْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَىٰ أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ سَدًّا قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ رَدْمًا آتُونِي زُبَرَ الْحَدِيدِ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَى بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انْفُخُوا حَتَّىٰ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ آتُونِي أُفْرِغْ عَلَيْهِ قِطْرًا فَمَا اسْطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَ مَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا»؛ گفتند ای ذوالقرنین یاجوج و ماجوج سخت در زمین فساد می‌کنند آیا [ممکن است] مالی در اختیار تو قرار دهیم تا میان ما و آنان سد قرار دهی؟ گفت آنچه پروردگارم به من در آن تمکن داده [از کمک مالی شما] بهتر است مرا با نیرویی [انسانی] یاری کنید [تا] میان شما و آنها سد استوار قرار دهم برای من قطعات آهن بیاورید تا آنگاه که میان دو کوه برابر شد گفت بدمید تا وقتی که آن [قطعات] را آتش گردانید گفت مس گذاشته برایم بیاورید تا روی آن بریزم. در نتیجه [اقوام وحشی] نتوانستند از آن [مانع] بالا روند و نتوانستند آن را سوراخ کنند (کهف ۹۴ - ۹۷).

اهمیت تجهیزات نظامی برای پیشگیری از حملات دشمن به اندازه‌ای است که خداوند با صراحت ضمن دستور به آماده کردن هر نوع نیروی مادی و معنوی (قطب الدین راوندی، ۱۴۰۵ ق، ۱، ۳۳۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۷، ۲۲) به صراحت دلیل آن را اعلام می‌کند که هدف ترساندن دشمنان خدا و نیروهای انقلابی است چه دشمنانی که شناخته شده هستند و چه آن‌هایی که هنوز

ناشناس هستند اعم از منافقانی که در ظاهر در کنار مسلمانان هستند و چه کفاری که هنوز با مسلمانان درگیر نشده‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۹، ۱۱۶) و خداوند از دشمنی آنها آگاه است: «وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخِرِينَ مَنْ دُونِهِمْ لَأَنْغَلِبُوهُمْ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ»؛ و هر چه در توان دارید از نیرو و اسب‌های آماده بسیج کنید تا با این [تدارکات] دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان] دیگری را جز ایشان که شما نمی‌شناسیدشان و خدا آنان را می‌شناسد بترسانید و هر چیزی در راه خدا خرج کنید پاداشش به خود شما باز گردانیده می‌شود و بر شما ستم نخواهد رفت (انفال ۶۰). در برخی روایات مصداق «قوة» هر نوع سلاح (قمی، ۱۴۰۴ ق، ۱، ۲۷۹)، تیر جنگی (کلینی، ۱۴۲۹ ق، ۹، ۴۶۸)، شمشیر و سپر (عیاشی، ۱۳۸۰ ق، ۲، ۶۶) و حتی خضاب کردن موهای سروصورت (ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق، ۱، ۱۲۳) که نوعی جنگ روانی علیه دشمن محسوب می‌شود معرفی شده است.

ساخت زره توسط حضرت داود علیه السلام نیز نمونه از تجهیزات پیشگیرانه است: «وَ عَلَّمَنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ لِنُحْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ»؛ به [داوود] فن زره [سازی] آموختیم تا شما را از [خطرات] جنگتان حفظ کند پس آیا شما سپاسگزارید؟ (انبیاء ۸۰) هر چند طبق نظر برخی مفسران «لبوس» هرگونه اسلحه دفاعی و تهاجم مانند زره، شمشیر و نیزه را شامل می‌شود (طوسی، [بی‌تا]، ۷، ۲۶۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ۷، ۹۰) ولی با توجه به قراین موجود در آیات قرآن «لبوس» در اینجا به معنی زره می‌باشد که جنبه حفاظت در جنگ‌ها را دارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۳، ۴۷۱) و برخی روایات نیز مصداق زره برای «لبوس» را تأیید می‌کنند. (قمی، ۱۴۰۴ ق، ۲، ۷۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۱۴، ۴)

البته فقط تجهیزات مادی و پیشرفته‌ترین سلاح‌های هر زمان به عنوان یک وظیفه قطعی اسلامی برای پیشگیری کافی نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۷، ۲۲)، بلکه علاوه بر تدابیر پیشگیرانه ذکر شده، گاهی وجود نیروی انسانی که بتواند دفاع مناسبی از خود نشان دهد می‌تواند عامل پیشگیری در برابر دشمن باشد، قرآن کریم از جمله درخواست‌های حضرت موسی علیه السلام در آغاز رسالت، وزارت هارون را مطرح کرده است که بنا بر سیاق آیات و روایات مطرح شده برای جبران لکنت زبان حضرت موسی علیه السلام در هنگام خشم بود، زیرا می‌ترسید با عدم پذیرش فرعون خشمگین شود و لکنت

زبانش بیشتر گردد (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۱۶، ۳۴؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ۲۴، ۵۹۶): «وَأَخِي هَارُونُ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَرْسَلْهُ مَعِيَ رِدْءًا يُصَدِّقُنِي إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ»؛ و برادر من هارون از من زبان آورتر است پس او را با من به دستگیری گسیل دار تا مرا تصدیق کند زیرا می ترسم مرا تکذیب کنند (قصص ۳۴) یا وجود نیروهایی که بتوانند اطلاعات اخبار دشمن را به رهبر جامعه برای تصمیم گیری منتقل کنند ضروری است چنانکه در مورد حضرت موسی عليه السلام آمده است: «وَجَاءَ رَجُلٌ مِنَ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَى قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ»؛ و از دورافتاده ترین [نقطه] شهر مردی دوان دوان آمد [و] گفت ای موسی سران قوم درباره تو مشورت می کنند تا تو را بکشند پس [از شهر] خارج شو من جدا از خیرخواهان تو هستم (قصص ۲۰) از این رو مجاهدان در راه خدا به عنوان نیروی اجرایی به کارگیرنده تجهیزات نیز محبوب درگاه حق تعالی قرار می گیرند: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَانَهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ»؛ «در حقیقت خدا دوست دارد کسانی را که در راه او صف در صف چنانکه گویی بنایی ریخته شده از سرباندن جهاد می کنند (صف ۴).

در صورتی که فرد نتواند در مقابل دشمن با تجهیزات یا نیروی انسانی مقابله کند بهترین راه، هجرت و دوری کردن از دشمن است چنانکه اصحاب کهف چنین کردند: «وَ إِذِ اغْتَرَزْتُمُوهُمْ وَ مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأَوْوَا إِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَ يُهَيِّئْ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ مَرْفَاقًا»؛ و چون از آنها و از آنچه که جز خدا می پرستند کناره گرفتید پس به غار پناه جویید تا پروردگارتان از رحمت خود بر شما بگستراند و برای شما در کارتان گشایشی فراهم سازد (کهف ۱۶).

۳ - ۵. جهاد همه جانبه با دشمن

در صورتی که دشمن به کیان جامعه اسلامی اعم از کیان مادی یا غیرمادی حمله کند لازم است که با وی مقابله صورت گیرد، لذا خداوند دستور به حفظ آمادگی نظامی و حرکات انفرادی و گروهی به سوی دشمن داده است از جمله می فرماید:

- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانفِرُوا ثُبَاتٍ أَوْ انفِرُوا جَمِيعًا»؛ ای کسانی که ایمان آورده - اید [در برابر دشمن] آماده باشید [اسلحه خود را برگیرید] و گروه گروه [به جهاد] بیرون روید یا به طور جمعی روانه شوید (نساء ۷۱).

- «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ»؛ و در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند بجنگید ولی از اندازه درنگذیرید زیرا خداوند تجاوزکاران را دوست نمی‌دارد (بقره ۱۹۰).

- «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَاوَاهُمْ جَهَنَّمَ وَاوَاهُمْ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ»؛ ای پیامبر با کفار و منافقان جهاد کن و بر آنان سخت گیر [که] جای ایشان در جهنم خواهد بود و چه بد سرانجامی است (تحریم ۹).

در آیات فوق «انفروا» از ماده «نفر» به معنای دور شدن از چیزی و روی آوردن به چیزی است (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ۵، ۴۵۹) و زمانی که در مورد جنگ به کار می‌رود به معنای روی آوردن به جنگ است (طریحی، ۱۳۷۵، ۳، ۴۹۹، راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ۸۱۷). «قتال» از ماده «قتل» به معنای زایل کردن روح از جسم و کشتن است، لذا قتال به معنای نبرد مسلحانه و محاربه خواهد بود (مصطفوی، ۱۳۶۸، ۹، ۱۹۶) و «جهاد» از ماده «جهد» در اصل به معنای طاقت، نیرو و مشقت است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ۲۰۸؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ۱، ۴۸۶) و زمانی که گفته می‌شود فلانی جهاد کرد، مراد به کار انداختن قدرت خود و تحمل مشقت و تلاش است (قرشی، ۱۳۷۱، ۲، ۷۷) این تلاش هم می‌تواند در مقابل دشمن درونی یعنی نفس باشد و هم دشمن بیرونی که در روایتی از پیامبر ﷺ نیز به هر دو نوع جهاد اشاره شده است: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَنْ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله بَعَثَ بِسَرِيَّةٍ، فَلَمَّا رَجَعُوا قَالَ: مَرَحِبًا بِقَوْمٍ قَضَوْا الْجِهَادَ الْأَصْغَرَ، وَبَقِيَ الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ، قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله، وَ مَا الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ؟ قَالَ: جِهَادُ النَّفْسِ؛ امام صادق عليه السلام فرمود: پیامبر صلى الله عليه وآله گروهی را برای نبرد فرستاد، زمانی که برگشتند فرمود: آفرین به قومی که جهاد اصغر را انجام دادند و جهاد اکبر باقی ماند. [اصحاب] پرسیدند: یا رسول الله جهاد اکبر چیست؟ حضرت فرمود: جهاد با نفس. (کلینی، ۱۴۲۹ ق، ۹، ۳۷۸). البته جهاد با دشمن باید به بهترین وجه انجام گیرد لذا قرآن دستور داده است تا حق جهاد ادا شود: «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ»؛ و در راه خدا چنانکه حق جهاد [در راه] اوست جهاد کنید (حج ۷۸) زیرا حق جهاد به معنای عالی‌ترین مراتب جهاد است یعنی جهادی خالصانه و فقط در راه خدا (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۱۴، ۴۱۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۴، ۱۸۲) یا جهادی که هیچ نوع کوتاهی در آن صورت نگیرد (ابن عاشور، ۱۹۸۴ م، ۱۷، ۲۵۱) یا جهاد با مال و زبان و جان (ابن کثیر، ۱۴۱۹ ق، ۵، ۳۹۸). تعابیر دیگر قرآن درباره جهاد نیز این حقیقت را تأیید می‌کند، از جمله دستور به

«جهاد کبیر» در برابر کفار که می‌فرماید: «فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدُهُمْ بِهٖ جِهَادًا كَبِيرًا»؛ پس از کافران اطاعت مکن و با [الهام گرفتن از] قرآن با آنان به جهادی بزرگ بپرداز (فرقان ۵۲). در این آیه ضمیر «به» به قرآن برمی‌گردد؛ یعنی با قرآن (طبرسی، ۱۳۷۲، ۷، ۲۷۳)، لذا می‌توان آیه را چنین تفسیر نمود: با قرآن با دشمنان مجاهده کن که مراد تلاوت آیات قرآن بر مشرکان، بیان حقایق آن و اتمام حجت بر آنان است (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۱۵، ۲۲۹) به نظر برخی از مفسران، جهاد در این آیه به معنای تلاش فکری، فرهنگی و تبلیغاتی است زیرا سوره فرقان در مکه نازل شده و دستور جهاد مسلحانه در مکه صادر نشده بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۵، ۱۲۲).

لازم به ذکر است که جهاد ابتدایی با کفار برای آزادی بشر از شرک (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۵، ۷، ۵۰۲ - ۵۱۰) مورد اختلاف فقهاست، برخی از آنها اذن معصوم (علیه السلام) را در آن لازم می‌دانند. (نجفی، ۱۳۶۲، ۲۱، ۱۱) و تحلیل عده‌ای نیز چنین است که بنا بر ولایت فقیه جامع شرایط آگاه به زمان، مدیر و مدبر، می‌توان مأذون بودن وی را در اقدام به این کار مهم نظامی بعد از مشورت با صاحب نظران جامع استنباط کرد. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ۹، ۵۸۵ و ۵۸۶)

نمونه‌هایی از جهاد تهاجمی در برابر دشمنان داخلی و خارجی در آیات قرآن کریم انعکاس یافته است؛ به عنوان نمونه نابودی آشکار دستاوردهای جریان ضدانقلاب را می‌توان حرکت جهاد گونه دانست که حضرت موسی (علیه السلام) به عنوان یکی از انقلابیون به آتش زدن گوساله سامری به عنوان دستاورد جریان ضدانقلابش انجام داده است: «قَالَ فَاذْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ وَإِنَّ لَكَ مَوْعِدًا لَنْ تُخْلَفَهُ وَانظُرْ إِلَى إِلٰهِكَ الَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا لَنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا»؛ گفت پس برو که بهره تو در زندگی این باشد که [به هر که نزدیک تو آمد] بگویی [به من] دست نزند و تو را موعدی خواهد بود که هرگز از آن تخلف نخواهی کرد و [اینک] به آن خدایی که پیوسته ملازمش بودی بنگر آن را قطعاً می‌سوزانیم و خاکسترش می‌کنیم [و] در دریا فرومی‌پاشیم (طه ۹۷). همچنین جریان مباحله پیامبر خاتم (علیه السلام) (طبرسی، ۱۳۷۲، ۲، ۷۶۲ و ۷۶۳) را می‌توان یکی از حرکات جهادی دانست: «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنفُسَنَا وَ أَنفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لِنَفْسِنَا عَلَى الْكَافِرِينَ»؛ پس هر که در این [باره] پس از دانشی که تو را [حاصل] آمده با تو مواجه کند بگو بیایید پسرانمان و پسرانتان و زنانمان و زنانتان و ما خویشان نزدیک و شما خویشان نزدیک خود را فراخوانیم سپس

مباهله کنیم و لعنت خدا را بر دروغ‌گویان قرار دهیم (آل عمران ۶۱). اعلام براءت از مشرکان و دادن مهلت چهارماهه برای تسلیم شدن (توبه ۱ - ۱۵) گرفتن جزیه از اهل کتاب (توبه ۲۹) و نبرد با اموال در راه خدا (توبه ۴۱) نمونه‌های دیگری از حرکات جهادی نیروهای انقلابی و بیانگر آخرین مرحله حساسیت در برابر دشمن هستند.

۴. نتیجه‌گیری

«حساسیت» واکنش در برابر برخی حوادث است و «انقلاب» دگرگونی بنیادی در زمینه‌های گوناگون اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی، حقوقی و سیاسی نسبت به قبل از انقلاب است که در پژوهش حاضر مراد از آن بعثت پیامبران است لذا پیروان انبیا (علیهم‌السلام) مصداق «نیروهای انقلابی» خواهد بود. «دشمن» و معادل‌های عربی آن از قبیل عدو و خصم به معنای بدخواه و متجاوز به حقوق دیگران است حتی اگر رفتارش در ظاهر چیزی نشان ندهد.

قرآن کریم با توجه به جامعیت و توجه به نیازهای بشری برای سعادت انسان، حساسیت صریح و همه‌جانبه‌ای در مقابل دشمنان برای نیروهای انقلابی نشان داده است که مراتب آن را می‌توان چنین برشمرد:

الف) پذیرش وجود دشمن و دشمنی و سپس شناخت دشمن و مصادیق آن از قبیل شیطان، کفار، مشرکان و برخی از اهل کتاب که در مجموع به فحشاء و بدی امر کرده و برای مؤمنان خیرخواه نیستند. هدف اصلی آنها گمراهی مؤمنان و ارتداد آنها بوده و در تلاش بر سلطه بر نیروهای انقلابی هستند.

ب) شناخت زمینه‌های مختلف دشمنی برای رصد کردن و تقویت قدرت نیروهای انقلاب. دشمن در برخی زمینه‌ها از قبیل اعتقادات، برخی فروع دین، مسائل خانوادگی، مسائل اقتصادی و گفتار بستر مناسبی برای بدخواهی و اضرار به مؤمنان پیدا می‌کند و با تفرقه‌افکنی، عوام فریبی، تخریب شخصیت نیروهای انقلابی و جنگ روانی به دشمنی برمی‌خیزد.

ج) تبیین صریح و شفاف مواضع نیروهای انقلابی در مقابل دشمن که علاوه بر کمک به نیروهای انقلابی، مانع سوء استفاده دشمن می‌شود.

د) اتخاذ تدابیر پیشگیرانه برای نیروهای انقلابی نظیر تقویت اعتقادات، آراستگی به فضایل اخلاقی، دقت در نحوه ارتباط با دشمنان و عدم تبعیت از آنها و تهیه تجهیزات لازم و پیشرفته روز برای حکومت اسلامی جهت پیشگیری از تهاجم دشمن و ارباب دشمنان شناخته شده و ناشناس

جامعه انقلابی اسلامی.

هـ) جهاد همه جانبه با دشمن اعم از جهاد مسلحانه یا جهاد فرهنگی، اقتصادی، تبلیغاتی در عالی ترین مراتب و کامل ترین شکل آن.

۵. فهرست منابع

الف) کتابها

- [۱] قرآن کریم (ترجمه فولادوند، محمد مهدی، تهران، دفتر مطالعات و معارف اسلامی)
- [۲] نهج البلاغه (ترجمه مکارم شیرازی، ناصر، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب (علیه السلام))
- [۳] ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ ق)، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- [۴] ابن عاشور، محمد بن طاهر (۱۹۸۴ م)، التحریر و التنویر، تونس، دارالتونسیه للنشر.
- [۵] ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ ق)، معجم المقاییس اللغه، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- [۶] ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۰۷ ق)، البدایه و النهایه، بیروت، دارالفکر.
- [۷] _____ (۱۴۱۹ ق)، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- [۸] ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، بیروت، دارالفکر / دارصادر.
- [۹] بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷ ق)، أنساب الأشراف، بیروت، دارالفکر.
- [۱۰] بهجت پور، عبدالکریم (۱۳۹۳)، همگام با وحی، قم، تمهید.
- [۱۱] جمشیدی حسن آبادی، جواد (۱۳۹۱)، دشمن شناسی از منظر قرآن کریم، اصفهان، بساتین
- [۱۲] جواد آملی، عبدالله (۱۳۸۱)، قرآن در قرآن، قم، اسراء.
- [۱۳] _____ (۱۳۸۹)، تفسیر تسنیم، قم، اسراء.
- [۱۴] _____ (۱۳۹۰) فطرت در قرآن، قم، اسراء.
- [۱۵] خطیب، عبدالکریم (بی تا)، التفسیر القرآنی للقرآن، بیروت، دارالفکر العربی.
- [۱۶] دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه، تهران، دانشگاه تهران / موسسه لغت نامه دهخدا.
- [۱۷] دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۰۸ ق)، أعلام الدین فی صفات المؤمنین، قم، مؤسسه آل البیت
- [۱۸] راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت / دمشق،

دارالقلم / الدارالشامیه.

[۱۹] رضایی، محمدحسین (۱۳۹۱)، دشمن‌شناسی در کلام امام خامنه‌ای علیه السلام، قم، ولاء منتظر (ع)

[۲۰] زمخشری، محمود (۱۴۰۷ ق)، *الكشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت، دار لکتاب العربی.

[۲۱] سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۸۵)، *مفاهیم القرآن*، قم، موسسه امام صادق علیه السلام

[۲۲] شجاعیان، محمد (۱۳۸۲)، *انقلاب اسلامی و رهیافت فرهنگی*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

[۲۳] صاحب بن عباد، اسماعیل (۱۴۱۴ ق)، *المحیط فی اللغة*، بیروت، عالم الکتاب.

[۲۴] صادقی تهرانی، محمد (۱۳۶۵)، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه*، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی.

[۲۵] طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

[۲۶] طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات ناصرخسرو.

[۲۷] طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ ق)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دارالمعرفه.

[۲۸] _____ (۱۳۸۷)، *تاریخ الأمم و الملوک*، بیروت، دارالتراث.

[۲۹] طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵)، *مجمع البحرین و مطلع النیرین*، تهران، مرتضوی.

[۳۰] طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۷ ق)، *العدة فی أصول الفقه*، قم، علاقبندیان.

[۳۱] _____ (بی تا)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، داراحیاء التراث العربی.

[۳۲] عمید، حسن (۱۳۷۷)، *فرهنگ عمید*، تهران، امیرکبیر.

[۳۳] عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۷)، *انقلاب اسلامی؛ زمینه‌ها و ریشه‌های آن*، قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری.

[۳۴] عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ ق)، *تفسیر العیاشی*، تهران، المطبعة العلمیة.

[۳۵] فارسی، جلال‌الدین (۱۳۶۱)، *انقلاب تکاملی اسلام*، تهران، وزارت فرهنگ و آموزش عالی.

[۳۶] فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ ق)، *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، بیروت، داراحیاء

التراث العربی.

- [۳۷] فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ ق)، *کتاب العین*، قم، هجرت.
[۳۸] فضل الله، محمدحسین (۱۴۱۹ ق)، *تفسیر من وحی القرآن*، بیروت، دارالملاک للطباعة و

النشر.

- [۳۹] فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۵ ق)، *تفسیر الصافی*، تهران، انتشارات الصدر.
[۴۰] قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱)، *قاموس قرآن*، تهران، دارالکتب الإسلامیة.
[۴۱] قطب الدین راوندی، سعید بن هبه الله (۱۴۰۵ ق)، *فقه القرآن*، قم، مکتبه آیة الله المرعشی

النجفی.

- [۴۲] قطب، سید (۱۴۱۲ ق)، *فی ظلال القرآن*، بیروت، دارالشروق.
[۴۳] قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ ق)، *تفسیر القمی*، قم، دارالکتاب.
[۴۴] کریمی، حسین (۱۳۹۱)، *حدیث دشمن شناسی: مجموعه سخنان مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای پیرامون دشمن شناسی*، تهران، پیام ماندگار.

- [۴۵] کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ ق)، *الکافی*، قم، دارالحديث.
[۴۶] گنجور، مهدی (۱۳۸۹)، *دشمن شناسی در آئینه وحی و نظام ارزشی*، اصفهان، حیات طیبه.
[۴۷] لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶)، *عیون الحکم و المواعظ*، قم، دارالحديث.
[۴۸] مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ ق)، *بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

- [۴۹] محمدی، منوچهر (۱۳۸۷)، *انقلاب اسلامی؛ زمینه‌ها و پیامدها*، قم، دفتر نشر معارف.
[۵۰] مدرس، محمدتقی (۱۴۱۹ ق)، *من هدی القرآن*، تهران، دار محبی الحسین.
[۵۱] مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۸)، *جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن*، تهران، سازمان تبلیغات

اسلامی.

- [۵۲] _____ (۱۳۸۰)، *قرآن شناسی*، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام

خمینی ره.

- [۵۳] مصطفوی، حسن (۱۳۶۸)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد

اسلامی.

- [۵۴] مطهری، مرتضی (۱۳۷۸)، *مجموعه آثار*، قم، صدرا.
- [۵۵] معین، محمد (۱۳۷۵)، *فرهنگ فارسی متوسط*، تهران، امیرکبیر.
- [۵۶] مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴ ق)، *تفسیر الکاشف*، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- [۵۷] مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- [۵۸] مهدی پور، علی اکبر (۱۳۹۰)، *تاریخ اسلام با رویکرد دشمن شناسی*، قم، نغمات.
- [۵۹] نجارزادگان، فتح الله (۱۳۸۶)، *مصاف بی پایان با شیطان*، قم، بوستان کتاب.
- [۶۰] نجفی، محمدحسن (۱۳۶۲)، *جواهر الکلام*، تهران، دارالکتب الاسلامیه آخوندی.
- [۶۱] نگارش، حمید (۱۳۸۴)، *دشمن شناسی از دیدگاه امام خمینی (ره)*، قم، زمزم هدایت.
- [۶۲] واحدی نیشابوری، علی بن احمد (۱۴۱۱ ق)، *اسباب نزول القرآن*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- [۶۳] واقدی، ابن سعد (۱۴۱۸ ق)، *الطبقات الکبری*، بیروت، دارالکتب العلمیه.

ب) مقالات و پایان نامه‌ها

- [۱] سلمانپور، محمدجواد (۱۳۷۶)، «دشمن شناسی از دیدگاه امام خمینی (ره)»، فصلنامه مصباح، سال ۸، شماره ۳۰، ص ۵۹ - ۸۳.
- [۲] شبانی، اعظم سادات (۱۳۹۴)، «مفهوم دشمن و شیوه‌های مواجهه با آن در قرآن و تورات»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهرا
- [۳] محمد نام، سجاد (۱۳۹۳)، «شناخت دشمن از منظر قرآن»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه امام صادق (ع).
- [۴] مخلصی، غلام رسول (۱۳۹۳)، «راه‌های مقابله با دشمنان دین از نگاه قرآن»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن جامعه المصطفی العالمیه مجتمع آموزش عالی مشهد.

ج: منابع اینترنتی

- [۱] بیانات مقام معظم رهبری (مدظله) از سامانه *khamenei.ir* (تاریخ ۱۴ خرداد ۱۳۹۵)

